

اهداف حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جمهوری آذربایجان و تأثیر آن بر

منافع ملی ایران

هادی اعظمی^۱، محسن سلطانی^۲، معصومه محمدی^۳

چکیده

کشورهای مختلف باتوجه به سطح قدرت ملی خود، همواره درصدد توسعه دامنه نفوذ و اثرگذاری خود در ماوراء مرزهای خود و به‌ویژه در مناطق و کشورهای بااهمیت جهان هستند. کشور جمهوری آذربایجان واقع در منطقه قفقاز جنوبی، بدایلی مانند قرارگیری در همسایگی روسیه و ایران، داشتن ذخایر بزرگ نفت، قرارگیری در حاشیه خزر و ... مورد توجه فراوان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ناتو، ترکیه، اسرائیل و عربستان سعودی قرار گرفته است. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، در پی یافتن مهمترین اهداف حضور این بازیگران سیاسی در آذربایجان و همچنین تبعات آن بر منافع ملی ایران است. به نظر می‌رسد وجود ذخایر نفتی، موقعیت جغرافیایی آذربایجان در همسایگی روسیه و ایران و دریای خزر بعنوان بخشی از منبع تأمین انرژی جهان آینده، استفاده از پیوستگی‌های قومی و زبانی، تلاش برای گسترش حضور اقتصادی و نظامی، تلاش برای کاهش نفوذ رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تلاش برای گسترش دموکراسی و رعایت حقوق بشر، تبلیغات و نفوذ فرهنگی، از مهمترین این اهداف می‌باشد. چنین تلاشی برای گسترش حضور همه‌جانبه در جمهوری آذربایجان، برای منافع ملی ایران که ۷۶۵ کیلومتر مرز مشترک با این کشور دارد همراه با تبعات مختلف در عرصه‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بوده است.

واژگان کلیدی: اهداف، قدرت منطقه‌ای، قدرت فرامنطقه‌ای، جمهوری آذربایجان، ایران.

^۱ دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

^۳ کارشناسی جغرافیا، دبیر آموزش و پرورش شهرستان نیشابور

مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۹۰ میلادی، ایالات متحده آمریکا، ناتو، اروپا، ترکیه، اسرائیل و بعدها عربستان سعودی را بر آن داشت تا با استفاده از خلاء قدرت موجود در قفقاز جنوبی، بدنبال حضور بیشتر در کشورهای این منطقه و بویژه مهمترین آن، یعنی آذربایجان، به منظور رسیدن به اهداف مختلف خود باشند. آذربایجان با وسعتی حدود ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع که صد و دوازدهمین کشور از این حیث می‌باشد، جنوبی‌ترین کشور واقع در منطقه قفقاز جنوبی قلمداد می‌شود و با کشور ایران ۷۶۵ کیلومتر مرز مشترک دارد (سلطانی، ۱۳۹۴: ۴۰). موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیکی پراهمیت قفقاز جنوبی و بویژه کشور آذربایجان، از جهت قرار داشتن در همسایگی روسیه و ایران، موجب شده است تا این کشور به کانون رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مختلفی تبدیل شود (Birkan, 2013: 12). علاوه بر اهمیت ناشی از موقعیت جغرافیایی، وجود ذخایر سرشار نفت در آذربایجان نیز در جلب توجه بازیگران سیاسی مختلف به خود بسیار موثر بوده است (Beglaryan, 2011: 18).

براساس آمار شرکت BP میزان ذخایر نفتی به اثبات رسیده آذربایجان ۷ میلیارد بشکه و ذخایر احتمالی آن ۳۲ میلیارد بشکه و میزان ذخایر گاز طبیعی به اثبات رسیده و احتمالی آن به ترتیب ۱۳/۴۵ و ۳۵ تریلیون فوت مکعب تخمین زده شده است. همانطور که در فوق اشاره گردید، عمده کشورهای ذکر شده همگی به نحوی از مهمترین

رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران به شمار می‌روند که حضور فعال آنها در همسایه شمال غربی کشور، از نظر سیاسی-امنیتی و اقتصادی چالش برانگیز بوده است. این مسئله از آن جهت اهمیت بیشتری به خود می‌گیرد که برخی از این بازیگران سیاسی درصد نفوذ در حوزه امنیتی ایران بوده و در سال‌های اخیر نیز تنش‌هایی از ناحیه آنها متوجه منافع ملی ایران شده و برخی اقدامات دولت آذربایجان نیز در پی تحریکات صورت گرفته توسط همین رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای انجام شده است. لذا روش تحقیق این مقاله باتوجه به ماهیت نظری آن، توصیفی-تحلیلی است، که اطلاعات مورد نیاز در قالب کتابخانه‌ای و با مراجعه به جدیدترین منابع معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش شامل؛ کتب و مقالات فارسی و انگلیسی و ترکی و آذری بدست آمده است. سوال اصلی پژوهش کنونی اینست که؛ مهمترین دلایل و انگیزه‌های حضور پرننگ بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مختلف در آذربایجان چه بوده است و تأثیرات آن بر منافع ملی ایران را در ابعاد مختلف بیان می‌کند. در این ارتباط فرضیه‌های پژوهش عبارت است از اینکه ۱- به نظر می‌رسد مهمترین دلیل حضور فعال بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان، اهداف سیاسی-امنیتی و اقتصادی است. ۲- به نظر می‌رسد مهمترین تأثیر حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان برای منافع ملی ایران، تأثیرات امنیتی و اقتصادی می‌باشد.



چارچوب نظری: نظریه بازی‌ها

نظریه بازی‌ها بعنوان یکی از مهمترین تئوری‌ها در شناخت تعاملات بازیگران موثر سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به شمار می‌رود و بر این اساس استوار است که می‌توان روابط و رقابت‌های بازیگران سیاسی را به مثابه یک بازی در نظر گرفت که در آن هرکدام از کشورها در پی به حداکثر رساندن منافع و دستاوردهای خود و محروم ساختن طرف مقابل از فرصت‌های موجود هستند (Brams, 1975: 39). در عمل نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بر مفید بودن نظریه بازی‌ها تأکید دارند و معتقدند که روابط بین‌الملل را می‌توان در قالب یک بازی چند نفره با (حاصل جمعی غیرصفر) مفهوم‌بندی کرد. به این مفهوم که در یک بازی، منافع حاصل شده برای یکطرف، همیشه و در همه حال به معنی محروم شدن طرف مقابل از آن منافع نیست (Mansbach, 1981: 68). باتوجه به این نظریه، حضور کشورهای مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جمهوری آذربایجان را می‌توان به مثابه یک بازی در نظر گرفت که هر بازیگر سیاسی در آن به حداکثر رساندن منافع خود می‌اندیشد و در عین حال با وجود اینکه بعنوان مثال برخی از منافع بطور همیشگی در اختیار چند کشور خاص قرار گرفته است (مانند انتقال خطوط انرژی آذربایجان و خزر از خاک ترکیه و منافع فراوان اقتصادی و سیاسی برای این کشور و محروم شدن ایران از این منافع)، سایر کشورهایی که از این منافع محروم مانده‌اند می‌توانند در طول زمان با افزایش توانمندی‌ها و استفاده بهتر از ظرفیت‌های خود،

برخی از فرصت‌های موجود را از آن خود کنند (بعنوان مثال ایران می‌تواند با پیوستن به خطوط لوله مذکور، بعنوان منبع تأمین‌کننده آن، بخشی از فواید اقتصادی و سیاسی را بدست بیاورد).

۱- منافع ملی^۱

عبارتست از ارزش‌های مادی و معنوی که افراد یک ملت نسبت به آنها احساس تعلق، وابستگی و مالکیت نموده و برای حفاظت از آنها و جلوگیری از تصرف آنها بدست سایرین از خود حساسیت نشان داده و حاضر به پرداخت هزینه می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۲۱). مهمترین ویژگی‌های منافع ملی عبارتند از:

اولاً: منافع ملی ماهیت جمعی و عمومی دارد؛

ثانیاً: منافع ملی شباهت به منافع گروهی و جمعی دیگر دارد؛

ثالثاً: منافع از جنس ارزش هستند که می‌تواند دارای انواع مادی و معنوی (مانند پرستیژ و حیثیت ملی) باشد؛

رابعاً: منافع ملی ارزش‌های درک شده‌ای هستند که افراد ملت آنرا از خود دانسته و متقابلاً خود را نیز وابسته به آن می‌دانند؛

خامساً: افراد ملت نسبت به آنها حساسیت فوق‌العاده‌ای از خود بروز می‌دهند (فیروزی، ۱۳۹۳: ۴۲).

۲- منطقه قفقاز جنوبی^۲

منطقه قفقاز جنوبی به سرزمین‌های بین شبه جزیره آناتیا در شرق دریای سیاه تا آبشوران در غرب خزر را در

¹ Game Theory

² National Interests

³ South Caucasus Region

مهمترین انگیزه‌های حضور ایالات متحده آمریکا در کشور آذربایجان

بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و به منظور پرکردن خلا بوجود آمده در منطقه قفقاز جنوبی، نقش آمریکا از دیگران برجسته‌تر بوده است. در اندیشه نخبگان سیاست خارجی این کشور ایده وجود داشت که در غیاب رقیب اصلی فرصت مناسبی برای حضور و کنترل این منطقه‌ی مهم بوجود آمده است و در این بین کشور آذربایجان، با وجود نزدیکی به روسیه و ایران و داشتن ذخایر انرژی فسیلی فراوان (احتمال وجود ذخایر ۳۲ میلیارد بشکه‌ای نفت در این کشور)، در اولویت قرار گرفت. مهمترین انگیزه‌های حضور آمریکا در آذربایجان را موارد ذیل تشکیل می‌دهند:

- ۱- کنترل نفوذ روسیه بعنوان رقیب قدیمی در این کشور، در راستای اعمال کنترل آمریکا بر مناطق راهبردی و با اهمیت جهان. اهمیت آذربایجان برای روسیه، همانند کوبا برای آمریکا است.
- ۲- جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های ضدغربی اسلام سیاسی عمده‌تاً برگرفته از انقلاب اسلامی ایران در این کشور.
- ۳- استفاده از ظرفیت‌های نفتی این کشور در راستای کاهش وابستگی به نفت خلیج فارس و ایجاد تنوع در تأمین انرژی مورد نیاز خود (Cornell, 1999: 111).
- ۴- کنترل بازار مصرف نزدیک به ۱۰ میلیون نفری آذربایجان و خارج کردن آن از دست رقبای چینی، روسی و ترکیه و ایران.
- ۵- استفاده سیاسی از بحران قره‌باغ برای کشاندن آذربایجان در ساختارهای غربی و یورو-آتلانتیکی مانند ناتو.

برمی‌گیرد و شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و جمهوری خودمختار نخجوان را در برمی‌گیرد. این منطقه حدود ۱ درصد کل مساحت شوروی سابق را شامل می‌شد و در حال حاضر نیز از نظر قومیتی، ترک‌های آذری با ۸/۷ میلیون نفر، بیشترین جمعیت این منطقه را تشکیل می‌دهند (جوانبخت، ۱۳۹۱: ۸).

۳- قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

در تعریف واژه قدرت آمده است که؛ توانایی برای انجام کار یا عملی، کنترل بر روی دیگران و یا توانایی کشور و یا دولتی برای نفوذ و اثرگذاری زیاد بر دیگر کشورها (Cowie, 1989: 970)، قدرت ملی کشورها از نظر توان اثرگذاری بر فرایندها، دارای سطوح و اندازه‌های مختلفی می‌باشد:

الف) قدرت منطقه‌ای: قدرتی است که نفوذ و دامنه اثر-گذاری آن، فقط در یک منطقه خاص تجلی پیدا می‌کند و از آن فراتر نمی‌رود. کشور ایران و ترکیه در این گروه از قدرت‌ها قرار دارند.

ب) قدرت فرامنطقه‌ای: قدرتی است که دامنه تأثیرگذاری آن از حد یک منطقه خاص فراتر رفته و در سطح جهانی و گروهی نیز حضور فعالی دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۳). ایالات متحده آمریکا در این دسته از قدرت‌ها قرار می‌گیرد. از بعدی دیگر می‌توان گفت که قدرتی که در مسائل مربوط به منطقه‌ای حضور فعال و یا دخالت دارد، اما از نظر جغرافیایی بخشی از آن منطقه به شمار نمی‌رود، یک قدرت فرامنطقه‌ای است.



توافق بر سر خطوط انتقال انرژی باکو، تفلیس، جیحان (۱۹۹۹) و به دنبال آن تغییر مسیر خطوط انتقال انرژی خزر از مسیر ایران به سایر مسیرها که ضمن محروم ساختن ایران از مزایای فراوان سیاسی و اقتصادی آن، باعث افزایش منزلت ژئوپلیتیکی رقبای ایران در منطقه شده و می‌توان گفت که آمریکا در اجرای سیاست «همه چیز منهای ایران» موفق گردید (کرمی، ۱۳۸۸: ۵۰).

در سطح روابط با دولت‌ها، قبل از توافق ژنو (۲۰۱۳)، عموم دولت‌ها در منطقه تحت تأثیر فشارهای سیاسی آمریکا و مسئله تحریم‌ها روابط خود با ایران را تنظیم می‌کردند. اما چشم‌انداز بهبود روابط ایران و آمریکا و رفع احتمالی تحریم‌ها، منجر به تجدیدنظر برخی از این کشورها در نوع روابط با ایران شده است. طبق نظریه آنسی کولبرگ آمریکا در صورتی که نتواند برای کنترل هارتلند جدید با ایران کنار آید در اندیشه جایگزینی چند کشور کوچکتر با ایران می‌افتد. آذربایجان یکی از این کشورهای کوچک بوده که با روشن شدن افق آینده روابط ایران و آمریکا، گرچه این کشور بدلیل اثرگذاری فراوان ایران در معادلات انرژی منطقه در صورت رفع تحریم‌ها، چندان از توافق احتمالی رضایت نخواهد داشت اما توان مخالفت با آمریکا را ندارد. به همین دلیل یکی از مهمترین دلایل جهتگیری سریع «الهام علی‌اف» در رابطه با ایران، چشم‌انداز مذاکرات ایران با ۱+۵ می‌باشد. سفر وی به ایران در فروردین ۱۳۹۳ و تنها چند ماه پس از توافق ژنو، می‌تواند بخشی از این تغییر رویکرد باشد.

۶- اعمال کنترل و مهار و انزوای ایران، در راستای پیگیری سیاست معروف (همه چیز منهای ایران) آمریکا در منطقه.
۷- تلاش برای انتقال پایگاه هوایی اینجریلیگ ترکیه به آبشوران آذربایجان و حضور نظامی مستقیم در خزر که پیامدهای امنیتی زیادی برای کشورهای ساحلی دیگر از جمله ایران خواهد داشت (سلطانی، ۱۳۹۴: ۵۷).

در بین اهداف فوق، ممانعت از توسعه نفوذ ایران اهمیت فراوانی دارد و آمریکا اقدامات متعددی را برای رسیدن به هدف خود اتخاذ کرده است: بعنوان نمونه در بحران قره‌باغ، آمریکا با مطرح کردن طرح گوبل^۱ که مبادله سرزمینی بین آذربایجان و ارمنستان بود، در نظر داشت ایران را در این بحران به طور کامل کنار بگذارد (زهرانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

مهمترین تبعاتی که حضور فعال آمریکا در آذربایجان برای ایران داشته است، می‌توان اشاره کرد به:

تحریک دولتمردان آذربایجان به جهت‌گیری‌های غیرسازنده در روابط با ایران و اتخاذ سیاست‌های سختگیرانه نسبت به فعالیت اتباع ایرانی در این کشور به بهانه‌های مختلف خاطر نشان می‌سازد برخی سیاست‌های اتخاذ شده از جانب ایران نیز در چنین جهت‌گیری‌هایی بی‌تأثیر نبوده است.

عدم پذیرش ایران در کنسرسیوم نفتی باکو و پروژه قرن (۱۹۹۵)، تحت فشارهای گسترده آمریکا به دولت حیدر علی‌اف این اتفاق سرآغازی بر سردی روابط دوجانبه ایران و آذربایجان بشمار می‌رود. اعلام حوزه دریای خزر به عنوان منطقه «منافع حیاتی» از سوی آمریکا (۱۹۹۷)، که حضور فعالانه این کشور در این منطقه را توجیه‌پذیر می‌ساخت.

¹Goble Plan

²Kohlberg Annecy

مهمترین اهداف اسرائیل از حضور در آذربایجان

اسرائیل اهداف متعددی را در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی، از حضور فعال خود در جمهوری آذربایجان دنبال کرده است که به مهمترین آنها در ذیل اشاره می‌گردد:

سیاست خارجی اسرائیل در قبال آذربایجان، در تداوم دکترین «بن گوریون»، یعنی سیاست استراتژی پیرامونی و پیگیری اتحاد‌های منطقه‌ای در حلقه دوم همسایگان، یعنی همسایگان غیرعرب دنبال می‌شود (Mufti, 1998: 34). اسرائیل با سرعت استقلال آذربایجان را مانند سایر جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز به رسمیت شناخت و به برقراری روابط دیپلماتیک با این کشور و تأسیس سفارتخانه اقدام کرد. روابط با جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم اسرائیل برخوردار است زیرا هر دو ایران را به عنوان تهدید اصلی خود معرفی می‌کنند.

۱- هدف این رژیم از توجه به کشورهایی مانند آذربایجان، مبارزه با بنیادگرایی اسلامی تحت تأثیر ایران و کشورهای تندر و عربی از طریق همکاری‌های اقتصادی نزدیک و نیز افزایش نفوذ همه‌جانبه و کسب وجهه بین‌المللی بود (موسوی و مولودی، ۱۳۹۱: ۲۸).

۲- تأمین نفت موردنیاز خود از آذربایجان و از طریق خطوط لوله‌ای که از خاک ترکیه عبور می‌کند و همچنین همکاری اقتصادی یکی از مهمترین مبانی در استراتژی اسرائیل و در برقراری رابطه با آذربایجان محسوب می‌شود، چون اعتقاد دارند بنیادگرایی اسلامی از جایی امکان خیزش دارد که از نظر اقتصادی ضعیف باشد و اسلام در پی پرکردن این خلاء خواهد بود (Prez, 1993: 53).

توانمندی‌های اسرائیل در بخش‌های ساختمان، کشاورزی، صنعت و توریسم از یکسو و نیاز گسترده آذربایجان به بهره‌گیری از روش‌های علمی و سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها به همراه ذهنیت مثبت از این کشور به صورت فاکتورهای تعیین کننده همکاری‌های اقتصادی آذربایجان-اسرائیل درآمده است. علاوه بر بخش‌های ذکر شده، همکاری گسترده‌ای در صنایع مخابراتی-ارتباطی، امور زیربنایی و صنایع پایین دستی و نفتی بین این دو بازیگر سیاسی وجود دارد. که این امر نفوذ ایران در بخش اقتصادی آذربایجان را بشدت محدود کرده است و موجب کوتاه شدن دست تاجران ایرانی برای فعالیت در این کشور شده است.

۳- استفاده از خاک آذربایجان برای فعالیت‌های امنیتی علیه ایران از عمده‌ترین اهداف اسرائیل در آذربایجان است.

۴- ایجاد قرینه لبنان در آذربایجان.

۵- خرید زمین در حاشیه مرزهای ایران برای بکارگیری در جاسوسی و استراق سمع.

۶- استفاده از خاک جمهوری خودمختار نخجوان برای به پرواز درآوردن پهبادهای شناسایی بر فراز تأسیسات هسته‌ای ایران و کسب همکاری این کشور در ترور دانشمندان هسته‌ای ایران (سلطانی، پیشین: ۱۰).

«ایهود باراک» در سال ۲۰۰۰ در سفر به منطقه خواستار استقرار پایگاه شنود در حاشیه مرز ایران و آذربایجان شد و در سال ۲۰۰۳ دومین پایگاه اطلاعاتی اسرائیل در منطقه جنوبی آذربایجان با نصب دستگاه‌های شنود و با هدف جمع‌آوری اخبار از ایران تأسیس شد. علاوه بر این اسرائیل با زیر نظر داشتن کلیه فعالیت‌های ایران در نزدیکی مرزهای آن با منطقه قفقاز و استفاده از مرزهای منطقه در



بیش از هزار و ۳۰۰ شرکت ترکیه‌ای در این کشور به ثبت رسیده است. ترکیه نزدیک ۱۰ میلیارد دلار در آذربایجان سرمایه‌گذاری کرده و حجم مبادلات تجاری این دو کشور در سال ۱۳۹۳ به بیش از سه میلیارد دلار در سال افزایش یافته است. در حالی که روابط تجاری این کشور همسایه با ایران در حداقل‌ها باقی مانده است. در حال حاضر حضور ایران در بازار این کشور ناچیز بوده و در حدود ۴۶۵ میلیون دلار است (سلطانی، پیشین: ۷۳)، که نسبت به ترکیه در سطح پایینی قرار دارد.

جدول (۱) مقایسه وضعیت مبادلات تجاری ترکیه و ایران با آذربایجان طی سال ۱۳۹۳ (گمرک ج.ا.ایران، ۱۳۹۳)

سال	واردات (میلیون دلار)	صادرات (میلیون دلار)	مبادلات تجاری ترکیه و ایران با آذربایجان (میلیون دلار)	شریک تجاری
۲۰۱۴ میلادی	۵۰۲	۱۲۸۶	۱۷۸۸	ترکیه
۲۰۱۴ میلادی	۲۲	۴۸۰	۵۰۲	ایران

جدول از نگارندگان

ترکیه تلاش می‌کند بعنوان تنها شریک راهبردی آذربایجان، ضمن ارتقاء نفوذ خود، مثلث مسکو، تهران، ایروان را تضعیف کند (Cornel, Ibid: 79). روابط نزدیک ترکیه و آذربایجان به زمانی بر می‌گردد که در ابتدای درگیری قره‌باغ، اعلام کرد که هنگامی با ارمنستان روابط دیپلماتیک برقرار می‌کند که این کشور مناطق اشغالی قره‌باغ را به آذربایجان باز پس دهد و از اینرو در سال ۱۹۹۳ روابط خود را با ارمنستان قطع کرد. هرچند عوامل مهم دیگری مانند اختلاف در زمینه مسئله

تقابل احتمالی نظامی با ایران، فضای بازی سیاست خارجی ایران را محدود کرده است. در همین رابطه لازم به ذکر است که براساس اسناد محرمانه ویکی لیکس که توسط جولین آسانژ مأمور سابق سازمان سیا منتشر شد، اسرائیل بارها از خاک آذربایجان طی سالیان گذشته علیه ایران جاسوسی می‌کرده است (موسوی و توتی، ۱۳۹۱: ۷۲).

۷- تلاش برای انتقال ساکنان اردوگاه اشرف (گروه معاند جمهوری اسلامی) به خاک آذربایجان (طالبی، ۱۳۹۲: ۶).

اسرائیل با پیگیری اهداف فوق در پی تحت فشار قراردادن ایران از منظر سخت‌افزاری نظامی- سیاسی و هم نرم‌افزاری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و در نتیجه به فعل رسیدن این اقدامات، خود تقویت‌بخش و اگر با ج.ا.ایران کشور آذربایجان را در پی داشته است (Buris, 2003: 17) (19). همانطور که مشاهده شد، از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و امنیتی؛ حضور اسرائیل در آذربایجان از راهبرد کلان ایالات متحده آمریکا یعنی سیاست (همه چیز منهای ایران) تبعیت می‌کند. و اتخاذ این سیاست تأثیرات منفی زیادی بر امنیت و منافع ملی ایران داشته است.

مهمترین دلایل حضور ترکیه در آذربایجان

کشور ترکیه در حال حاضر بعنوان تنها متحد استراتژیک آذربایجان شناخته می‌شود و پیوندهای عمیقی بین دو کشور برقرار شده است. شاید تعبیر «یک ملت- دو دولت» که حیدرعلی‌اف همواره در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش به منظور تبیین و ترسیم روابط باکو - آنکارا بکار می‌برد و هم اینک نیز توسط فرزندش الهام علی‌اف به کار گرفته می‌شود، بهترین جمله در خصوص روابط باکو و آنکارا باشد.



نسل‌کشی ارمنه و ... در اتخاذ این تصمیم موثر بود (واعظی، ۱۳۸۹: ۷۴). این در صورتی است که ایران هیچگاه در این بحران، مواضع صریح و شفاف را بیان نکرده است و در مقاطعی دیدگاه‌های متعارض و ناهماهنگی را اتخاذ کرده است که منجر به سردی روابط با آذربایجان شده است (ویسی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۹).

در حالت کلی می‌توان مهمترین دلایل حضور موثر ترکیه در آذربایجان را در موارد ذیل عنوان کرد:

- ۱- وجود پیوستگی قومی و زبانی با آذربایجان و توسعه همکاری‌های اقتصادی؛
- ۲- تلاش برای اجرای سیاست‌های پان‌ترکیستی؛
- ۳- ممانعت از گسترش نفوذ روسیه و ایران در این کشور؛
- ۴- مشارکت در تولید نفت کشور آذربایجان و مهمتر از آن انتقال این نفت از طریق خاک خود به مقاصد صادراتی (زهرانی و فرجی، ۱۳۹۲: ۱۱۹).
- ۵- ارائه‌الگویی از حکومت غیرتندرو و لائیک در آذربایجان در برابر بنیادگرایی اسلامی معرفی شده از جانب ایران و دولت‌های عربی؛
- ۶- گسترش حضور نظامی و ایجاد ارتش مشترک با آذربایجان، امضای تفاهم‌نامه احداث پایگاه نظامی ترکیه در نخجوان آذربایجان نیز گام بلند ترکیه در این زمینه به شمار می‌رود. این قرارداد در سفر «گل» رئیس‌جمهور ترکیه به آذربایجان (۱۳۹۰) به امضاء رسید. همزمانی این سفر با سفر مدودفبه ارمنستان در واقع پیامی از سوی ترکیه به روسیه و همچنین تأکیدی بود بر اینکه ترکیه در کنار آذربایجان است. همچنین می‌توان گفت که امضای موافقت‌نامه استقرار پایگاه نظامی ترکیه در نخجوان، پاسخ

آنکارا و باکو به تمدید قرارداد استقرار پایگاه نظامی روسیه در منطقه «گیومری» ارمنستان بود (سلطانی، پیشین: ۱۰۴).

۷- گسترش نفوذ فرهنگی در آذربایجان، ترکیه برای نفوذ فرهنگی در آذربایجان با شعار اتحاد ترک‌ها وارد عمل شد و در جهت گسترش این ایده در آذربایجان و در تضاد و مقابله با ایران تلاش کرد. اظهارات اردوغان نخست‌وزیر وقت ترکیه و رئیس‌جمهور کنونی این کشور در نوامبر ۲۰۰۷ در جمع رهبران کشورهای ترک زبان مبنی بر اینکه «اگر ما با هم همکاری نکنیم آنها ما را از هم خواهند گسست»، در این راستا ارزیابی می‌شود (جوادی‌ارجمند و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۴). در بعد فرهنگی، کانال تلویزیونی تی‌آرتی (TRT) ترکیه مستقیماً به آذربایجان و نخجوان رله می‌شود و سایر کانال‌های تلویزیونی این کشور با اشتیاق فراوان از طریق کانال‌های کابلی و ماهواره در منازل و رستوران‌های آذربایجان مشاهده می‌شود. این درحالیست که تنها شبکه ایران که در برخی مناطق جنوبی آذربایجان و نخجوان دریافت می‌شود بخش آذری کانال تلویزیون دولتی سحر است که همواره با چالش‌هایی میان دوطرف مواجه بوده است. همچنین تنها دانشگاه خارجی در آذربایجان تحت عنوان دانشگاه «ففقاز» متعلق به ترکیه است. مدارس متعددی نیز در آذربایجان وجود دارد که توسط ترک‌ها اداره می‌شود که برای نمونه، ۱۲ مدرسه به جریان طرفدار «فتح ... گولن» سیاستمدار معروف ترک تعلق دارد (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۴۷).

با حضور گسترده ترکیه در آذربایجان، منافع ملی ج.ا.ایران در ابعاد مختلف به چالش‌های جدی دچار شده است. گرایشات پان‌ترکیستی مورد حمایت ترکیه وحدت ملی



سطح همکاری باکو با ناتو در ۱۹۹۴ و ریاست جمهوری حیدر علی‌اف آغاز گردید که در آن سال آذربایجان به عضویت برنامه (مشارکت برای صلح) ناتو درآمد. با وجود اینکه ناتو در درجه اول یک سازمان نظامی بشمار می‌رود اما در آذربایجان بدنبال همکاری در زمینه انرژی نیز هست. «جیمز آپاتوری»، نماینده ناتو در آذربایجان در مصاحبه‌ای که با شبکه تلویزیونی آذربایجان، گفته است که ناتو یک موسسه انرژی نیست اما خود را ملزم به دفاع از امنیت انرژی ۹۰۰ میلیون نفر از اعضای خود می‌داند. بدنبال بحران اوکراین، که اروپا وابستگی بیشتری به خط لوله سوت استریم^۱ داشته و بنابراین تصمیم به احداث خط لوله جدیدی از آذربایجان به اروپا اتخاذ کرده است و ناتو امنیت این خط لوله را تأمین خواهد کرد (اتاق بازرگانی ایران در چین، ۱۳۹۵).

مهمترین انگیزه‌های ناتو از حضور در آذربایجان عبارتند از:

- ۱- اهداف اقتصادی: با مسئولیت‌پذیری ناتو در حوزه امنیت انرژی، این نهاد می‌تواند به جای انفعال در برابر سیاست‌های صادرکنندگان انرژی، در آینده انرژی جهان ایفای نقش کند و از آسیب‌پذیری اروپا در برابر بازیگرانی چون روسیه بکاهد.

- ۲- اهداف سیاسی: ناتو با معرفی خود بعنوان حافظ منافع اقتصادی آذربایجان، می‌تواند وجه خود را در افکار عمومی این کشور مثبت و مشروع جلوه دهد. و به راحتی می‌تواند در منطقه خزر نفوذ خود را بسط دهد.

- ۳- اهداف نظامی و امنیتی: طرح گسترش ناتو، ایجاد کردوری در قفقاز تا چین است و بر این اساس، با کمک

ایران را نشانه رفته است. و بحث احداث پایگاه نظامی این کشور در نخجوان و در جوار مرزهای شمال غربی ایران می‌تواند تبعات زیادی را بدنبال داشته باشد. از نظر اقتصادی نیز عبور لوله‌های انتقال انرژی آذربایجان و خزر از ترکیه، ایران را از فواید فراوان بی‌بهره ساخت.

نمودار ۱) مهمترین اهداف ترکیه در آذربایجان



نمودار از نگارندگان

مهمترین اهداف ناتو در آذربایجان

گسترش ناتو به شرق و به ویژه به مناطقی در آسیا- اوراسیا از جمله مقوله‌های مهم راهبردی پس از پایان دوران جنگ سرد به شمار می‌رود. در این رابطه، ناتو توجه خاصی به برخی از کشورهای منطقه قفقاز نشان داده که از جمله می‌توان به جمهوری آذربایجان و گرجستان اشاره کرد.

ضعف نظامی آذربایجان و در نتیجه، به منظور ایجاد موازنه در برابر ارمنستان، این کشور را وادار ساخته است تا از طریق گرایش به ناتو و ساختارهای یوروآتلانتیکی این ضعف را جبران کند و البته با توجه به حساسیت دو قدرت منطقه‌ای روسیه و ایران نسبت به استقرار پایگاه‌های نظامی ناتو در منطقه، با احتیاط بیشتری خود را با فرایندهای یوروآتلانتیکی تطبیق می‌دهد (سلطانی، پیشین: ۵۷). نوع و

^۱ South Stream

برای تبلیغ وهابیت و ترویج تروریسم به کشورهای خود باز گردند. از جمله اهداف عربستان از سرمایه‌گذاری و ترویج وهابیت در آذربایجان، زمینه‌سازی برای حضور وهابی‌های جمهوری آذربایجان در سوریه برای نبرد با ارتش سوریه است که در این خصوص به ساماندهی انتقال وهابی‌ها از شهرهای زاگاتالا و گوسار جمهوری آذربایجان به سوریه می‌توان اشاره کرد (سلطانی، پیشین: ۵۹). تلاش برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و زمینه‌سازی برای حضور بیشتر شرکت‌های اقتصادی در آذربایجان، از دیگر انگیزه-های عربستان در آذربایجان می‌باشد. در این راستا، نخستین مجمع تجاری عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۵ با عنوان «جریان سرمایه‌های عربی به سوی جمهوری آذربایجان» برگزار شد در مجمع تجاری عربستان در باکو حدود یکصد شرکت عربستانی خواهان سرمایه‌گذاری‌های عربی در جمهوری آذربایجان بوده‌اند.

سرمایه‌های عربی می‌توانند در بخش‌های ساختمان‌سازی، خدمات و هتل‌سازی و توریسم و تولید مواد غذایی و صنعتی این کشور بکار انداخته شوند (fa.arannews.com). تبلیغ گسترده آموزه‌های وهابیت و افراطی‌گری دینی که برای اعمال فشار به کشور روسیه (و البته در تقابل با ماهیت شیعی حکومت ایران) نیز انجام می‌شود تا از این کشور در پرونده سوریه و همچنین در برابر ایران، امتیازگیری کند؛ می‌تواند تهدید عمده‌ای علیه امنیت ملی کشور باشد. و حضور شرکت‌های عربستانی که از پشتوانه‌های مالی نیرومندی نیز بهره می‌گیرند می‌تواند باعث در تنگنا قرار گرفتن شرکت‌های ایرانی برای فعالیت در آذربایجان شود.

ناتو، آمریکا می‌تواند در بیخ گوش بزرگترین رقبای خود یعنی روسیه و چین و ایران باشد. آذربایجان برای روسیه، همچون کوبا برای آمریکا محسوب می‌شود. بنابراین ضمن کنترل روسیه در حیات خلوت خود، می‌تواند ایران را نیز در مرزهای شمال غربی خود مهار کند (عابدی، ۱۳۹۴: ۴-۱). اگر در نهایت آذربایجان به عضویت این سازمان درآید، تمامی مرزهای شمال غربی ایران به محاصره ناتو در می‌آید و همچنین به گسترش اندیشه‌های لیبرالیستی و لائیک، که کاملاً در تضاد با نظام حکومتی ایران است منجر خواهد شد.

نمودار ۲) اهداف اصلی ناتو در آذربایجان



(نمودار از نگارندگان)

اهداف عربستان سعودی در جمهوری آذربایجان

این یک واقعیت است که عربستان سعودی، یکی از بزرگترین حامیان و پرورش دهندگان تروریسم در جهان به شمار می‌رود. هم اکنون هزاران تن از نوجوانان و جوانان قفقازی با هزینه و تشویقات مادی رژیم سعودی، از کشورهای خود عازم دانشگاه‌های وهابی عربستان شده‌اند تا



اهداف کشور روسیه در آذربایجان

همانطور که قبلاً اشاره شد اهمیت آذربایجان برای روسیه، همانند کوبا برای آمریکا است و این کشور به شدت از نفوذ آمریکا و ناتو و همچنین ترکیه و اسرائیل و حتی از ترویج بنیادگرایی اسلامی در آذربایجان توسط عربستان سعودی بیمناک است. در نتیجه مهمترین اولویت روسیه در آذربایجان مقابله با نفوذ آمریکا و همچنین جلوگیری از گسترش بنیادگرایی اسلامی است (Cornell, Ibid: 55). این کشور قبل از هر چیز به دلیل احساس تعلق به قفقاز، بدنبال بازگرداندن نفوذ خود به کشورهای این منطقه است. اما در ارتباط با آذربایجان چندان توفیقی بدست نیاورده است. مهمترین عامل در این زمینه موضوع قره‌باغ و جهتگیری روسیه در این بحران می‌باشد. روسیه به دلیل چراغ سبزی که آذربایجان به آمریکا و ترکیه داده است (روسیه به شدت از همجواری شدن جمهوری‌های ترک زبان خود شامل؛ چچن و تاتارستان و داغستان و اینگوشو^۱ جمهوری آذربایجان با ترکیه نگران است و خود را آسیب‌پذیر می‌داند)، روابط نزدیکی را با ارمنستان برقرار و در بحران قره‌باغ نیز حمایت‌های آشکاری را از این کشور انجام داد و تسلیحات و کارشناسان نظامی زیادی به این کشور گسیل داشت تا ارمنستان دست برتر را بر آذربایجان داشته باشد (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۶). که این موضوع در خاطره تاریخی دولتمردان آذری مانده است و به عاملی بازدارنده در توسعه روابط روسی- آذری تبدیل شد. جلوگیری از نفوذ ایران در آذربایجان نیز از دیگر اهداف روسیه به شمار می‌رود. به شکست کشاندن طرح صلح و

میانجیگری ایران بین آذربایجان و ارمنستان در اردیبهشت ماه ۱۳۷۱، نشان‌دهنده نارضایتی روسیه از حضور ایران در کشورهای قفقاز است (همان، ۱۱). با وجود روابط نه چندان چشمگیر دو کشور، اما تلاش برای بدست آوردن سهم بیشتری از بازار تجاری آذربایجان از دیگر اهداف روسیه قلمداد می‌شود:

مشارکت در کنسرسیوم‌های بین‌المللی تولید نفت از جمله اقدامات روسیه هست. در کل در بازار آذربایجان بیش از ۵۰۰ شرکت روسی فعالیت دارند که ۱۷۰ تا از آنها کمپانی‌های ۱۰۰ درصد روسی هستند و ۲۳۷ مورد از آنها به صورت شرکت‌های مشترک آذری-روسی هستند. شرکت مشترک روسی-آذری^۲ در سال ۲۰۰۷ در آذربایجان کارخانه تولید بنتونیت را به بهره‌برداری رساند. در می ماه ۲۰۰۸ کمپانی روسی «بالتیکا» در شهر سنت پترزبورگ، کارخانه تولید مشروب «باکو کاستل» آذربایجان را خرید و بیش از ۲۰ میلیون دلار برای مدرنیزه کردن محصولات هزینه پرداخت. همچنین در آذربایجان کارخانه مشترک «خزر لادا» با شرکت سرمایه «آوتوواز» به تولید ماشین مشغول است و بیش از ۴۰ ایستگاه ارائه خدمات در اکثر شهرها دارد (kavkazoved.info). اعمال نفوذ روسیه در عدم-اجرای توافقنامه آتش‌بس در قره‌باغ در اردیبهشت ۱۳۷۱ و همدستی با آذربایجان برای پیشبرد رژیم حقوقی دریای خزر به صورت دوجانبه و با همراهی سایر کشورهای ساحلی و لحاظ نمودن منافع ایران از جمله تبعات حضور روسیه در آذربایجان برای ایران بوده است.

^۱ Ingush

^۲ Azrosproinvest

مهمترین اهداف اتحادیه اروپا در آذربایجان

اتحادیه اروپا اهداف و منافع خود را از طریق اعمال اهداف و منافع خود بعنوان یک بازیگر سیاسی و اقتصادی در جهان تشویق می‌کند. این اتحادیه در سطح جهان، موفقیت، همبستگی، امنیت و توسعه پایدار را تشویق می‌کند که این اهداف در آذربایجان نیز اعمال می‌گردد (ره‌نورد، ۱۳۸۸: ۱۴۴). همانطور که قبلاً هم اشاره شد کشور آذربایجان نیز به دلایل مختلف سیاسی و امنیتی (ایجاد توازن در برابر ارمنستان- روسیه)، اقتصادی و فرهنگی خواهان پیوستن به ساختارهای یورو- آتلانتیکی می‌باشد و از این قرابت سیاسی استقبال می‌کند. اروپا این اقدام را در آذربایجان از طریق اجرای موافقتنامه مشارکت و همکاری و طرح اقدام سیاست همسایگی اروپا دنبال می‌کند. که روابط فزاینده در حوزه انرژی با آذربایجان، نقش مهمی در این زمینه دارد (European neighborhood and partnership instrument azerbaijan, 2006). تلاش برای گسترش دموکراسی، رعایت اصول حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و اصول تجارت و اقتصاد آزاد، شالوده روابط اروپا با آذربایجان را تشکیل می‌دهند (European commission external relations, 2008). تلاش برای کاهش وابستگی به گاز روسیه نیز از اهداف مهم اتحادیه اروپا در کشور آذربایجان است و تاکنون در طرح‌های مهم انتقال گاز این جمهوری و خزر به اروپا مشارکت بسیار جدی داشته است که بعنوان نمونه می‌توان از پروژه «ناباکو» نام برد. حضور اتحادیه اروپا در نزدیکی مرزهای شمال غربی ایران آمیخته‌ای از فرصت و تهدید است، حضور ساختارهای قدرتمند غربی که عمدتاً در تضاد با سیاست‌های ج.ا.ایران هستند در پشت مرزهای ایران چندان از نظر سیاسی و

امنیتی و حتی اقتصادی به نفع ایران نبوده است. سوالی که مطرح می‌شود اینست که چرا حضور این اتحادیه به نفع ایران نبوده است؟ در پاسخ باید گفت که اروپا در طی سالیان گذشته همواره تحت فشار بسیار شدید ایالات متحده آمریکا، از انتقال خطوط انرژی آذربایجان و خزر از خاک ایران مخالفت کرده است که از نظر سیاسی و اقتصادی شدت به ضرر ایران بوده است.

همچنین شرکت‌های بزرگ نفت و گاز اروپایی بدلیل یاد شده، از سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های استخراج نفت و گاز ایران در خزر چشم‌پوشی کردند که تبعات اقتصادی زیادی برای ایران بوجود آورد. اما با نتیجه رسیدن موافقتنامه هسته‌ای وین و بهبود روابط ایران و اتحادیه اروپا، ایران خواهد توانست با مرور زمان و حذف کامل تحریم‌ها، با پیوستن به پروژه‌های انتقال انرژی خزر به اروپا، از فواید اقتصادی سرشار آن سود ببرد و سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌های اروپایی را در زمینه استخراج نفت و گاز خزر، جذب کند.

نتیجه‌گیری

هر کشور و نهاد بین‌المللی باتوجه به اهداف و منافع خاصی که دنبال می‌کند، در پی توسعه دامنه نفوذ و اثرگذاری خود بر منطقه جغرافیایی و یا فراتر از آن می‌باشد و در این راه از ابزارهای مختلفی که در اختیار دارد استفاده می‌کند. از آنجا که هر کشور و بازیگری صرفاً در پی تحقق بخشیدن به منافع خود می‌باشد، ممکن است در راه تحقق این هدف، با سایر بازیگران سیاسی، از جمله کشورهای همسایه و درون منطقه‌ای، نوعی تداخل منافع و اهداف بوجود آید و روندی از چالش‌ها و تنش‌ها را بوجود آورد.



مهمترین هدف عربستان گسترش آموزه‌های وهاب‌گری برای اعمال فشار به روسیه و ایران و استفاده از وهابی‌ها در جنگ سوریه می‌باشد. روسیه در آذربایجان به‌عنوان حیات خلوت خود، خواهان جلوگیری از نفوذ آمریکا، ناتو، ایران و ترکیه و آموزه‌های بنیادگرایی ارائه شده توسط عربستان است. و در نهایت اینکه اتحادیه اروپا علاوه بر مشارکت در تولید نفت آذربایجان و انتقال گاز خزر به اروپا برای کاهش وابستگی به روسیه، خواهان گسترش دموکراسی، حقوق بشر و رعایت اصول اقتصاد آزاد است.

نگاهی ضمنی به اهداف مهم بازیگران یاد شده در خاک آذربایجان، نشان دهنده اینست که مقابله با نفوذ ایران یکی از اهداف مشترک همه آنها بوده است. حضور نظامی و سیاسی نزدیک این قدرت‌ها در پشت مرزهای ایران تبعات امنیتی-سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراوانی را در پی داشته است که به پرواز درآوردن پهبادهای جاسوسی بر فراز تأسیسات هسته‌ای ایران، امکان قرار گرفتن کامل مرزهای شمال غربی ایران در محاصره ناتو، محروم ماندن ایران از سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، انتقال خطوط انتقال انرژی از مسیری بجز مسیر ارزان و امن ایران، اعمال محدودیت‌های فراوان برای فعالیت تاجران ایرانی در آذربایجان، گسترش تبلیغات دینی افراطی و وهابیت در حاشیه مرزهای شمال غربی ایران و ... از جمله این تبعات بوده است.

پاسخگویی به فرضیه: فرضیه نخست مطرح شده در پژوهش عبارت بود از اینکه، به نظر می‌رسد مهمترین دلیل حضور فعال بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان، اهداف سیاسی-امنیتی و اقتصادی است. باتوجه به مهمترین اهداف ذکر شده برای حضور قدرت‌ها و بازیگران

کشور آذربایجان واقع در منطقه قفقاز جنوبی بدلیل وجود ذخایر بزرگ انرژی و در همسایگی قرار گرفتن با روسیه و ایران، بعد از فروپاشی شوروی مورد توجه روزافزون بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده آمریکا، اروپا، ناتو، ترکیه اسرائیل و عربستان بوده و هرکدام از این بازیگران در پی رسیدن به اهداف خاص خود بوده‌اند. رهاورد این موضوع برای ج.ا.ایران، ایجاد چالش‌های متعدد سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی بوده است.

آمریکا با هدف کنترل نفوذ روسیه و مهار ایران، مبارزه با اندیشه‌ای اسلام سیاسی برگرفته از ج.ا.ایران، استفاده از ظرفیت‌های انرژی آذربایجان، کنترل بازار مصرف ۱۰ میلیونی و گسترش حضور نظامی در خزر، وارد آذربایجان شده است.

مهمترین اهداف اسرائیل عبارتند از پیگیری دکترین حلقه دوم همسایگان، مبارزه با آموزه‌های اسلام سیاسی، همکاری اقتصادی برای رسیدن به هدف اخیر، ایجاد قرینه لبنان در آذربایجان، استفاده از خاک این کشور برای انجام فعالیت‌های امنیتی علیه ایران نظیر به پرواز درآوردن پهبادهای جاسوسی و نصب دستگاه‌های استراق سمع.

کشور ترکیه در پی دستیابی به بازارهای آذربایجان، تضعیف محور مسکو-ایروان-تهران، نفوذ فرهنگی و عمدتاً در تقابل با ایران، ارائه الگوی حکومتی لائیک، مشارکت در تولید نفت خزر و حضور نظامی در آذربایجان است. ناتو نیز خواهان کنترل نفوذ ایران و روسیه و اجرای سیاست گسترش به شرق می‌باشد، تأمین امنیت انرژی اروپا و ایفای نقش فعال در آینده انرژی جهان از دیگر اهداف ناتو در آذربایجان است.

زمینی دارد و ایران می‌تواند با افزایش وابستگی نخجوان به خود در ابعاد مختلف از جمله سوآپ انرژی، تا حدی از آثار منفی نفوذ گسترده قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان بر منافع و امنیت ملی خود بکاهد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- جوادی‌ارجمند، محمدجعفر و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی علل سردی روابط ایران و آذربایجان»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱.
- ۲- جوانبخت، حسین (۱۳۹۱)، روابط منطقه‌ای ج.ا. ایران در قفقاز جنوبی و تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های متقابل، گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.
- ۳- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، قدرت و منافع ملی، تهران: انتشارات انتخاب.
- ۴- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پایلی.
- ۵- رهنورد، حمید (۱۳۸۸)، «سیاست اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی، منافع و چالش‌ها»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵.
- ۶- زهرانی، مصطفی و فرجی، تیمور (۱۳۹۲)، «منابع بین‌المللی تداوم بحران قره‌باغ»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳.
- ۷- سلطانی، محسن (۱۳۹۴)، «بررسی نقش موقعیت جغرافیایی برونگان جمهوری خودمختار نخجوان در مناسبات ژئوپلیتیکی ایران و جمهوری آذربایجان»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی.
- ۸- سلیمانی، افشار (۱۳۹۰)، «نگاهی مقایسه‌ای به سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- ۹- طالبی، سجاد (۱۳۹۲)، «روابط ج.ا. ایران و آذربایجان، چالش‌ها و فرصت‌ها»، مرکز پژوهش‌های مجلس.

سیاسی در جمهوری آذربایجان، دستیابی به اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی از مهمترین این دلایل بوده‌اند و بنابراین فرضیه‌ی فوق، تأیید می‌شود.

فرضیه دوم؛ به نظر می‌رسد مهمترین تأثیر حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان برای منافع ملی ایران، تأثیرات امنیتی و اقتصادی می‌باشد. باتوجه به یافته‌های پژوهش، مشخص گردید که از مهمترین تبعات حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان، محروم شدن ایران از فرصت‌های اقتصادی موجود در این کشور و همچنین تحمیل تبعات امنیتی منفی بر ایران بوده و بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود.

پیشنهادات

در این ارتباط، باید با دیپلماسی گسترده خارجی، دیدگاه‌های اروپا، ایالات متحده، عربستان و ترکیه را نسبت به اهداف ایران در قفقاز و آذربایجان، تعدیل ساخت و با برقراری روابط نزدیک با آذربایجان به موازات ارمنستان و اتخاذ سیاست منطقی و واقع‌بینانه در موضوع قره‌باغ، منافع خود را در این کشور تا حدود زیادی تأمین کرد. همچنین از آنجایی که دولت آذربایجان نیز، خود تمایل فراوانی برای کشاندن پای بازیگران سیاسی یاد شده به خاک خود دارد تا در برابر ارمنستان، روسیه و ایران برگ برنده در اختیار داشته باشد، باید در برابر آن نوعی اقدامات توازن‌بخش انجام داد. در این رابطه مهمترین نقطه ضعف آذربایجان در کنار مسئله قره‌باغ، موضوع محدودیت ارتباطی جمهوری خودمختار نخجوان (بخش جدا افتاده آذربایجان) می‌باشد. این جمهوری فقط از طریق ایران با خاک مادری ارتباط



4- cowie, A.P. (1989). *Oxford Advanced Learner Dictionary*. UK: oxford University Press. (21) 2.

5- cornell, Svante E (1999). The Nagorno karabakh Conflict, report No.46. *Department of Est European Studies*. Uppsala university.

6- European commission external relations. Summary on Eu-Azerbaijan relation..2008

7- European neighborhood and partnership instrument azerbaijan, country strategy paper 2007-2013. 2006

8- Mans Bach, W, Richard, A, Vasquez, A, John, (1981). In Search or Theory: A New Paradigm for politics. New York: *Colombia University Press*.8 (64).

وبسایت:

۱- بی‌نا (۱۳۹۵)، «اتاق بازرگانی ایران در چین».

<http://www.irbccn.com>

۲- بی‌نا (۱۳۹۵)، خبرگزاری آران.

<http://www.fa.arannews.com>

۱۰- عابدی، عفیفه (۱۳۹۴)، «اهداف ناتو در آذربایجان»، مرکز

تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۵۲.

۱۱- فیروزی، مرتضی (۱۳۹۳)، «بررسی اهداف و منافع ژئوپلیتیکی

ایران و ترکیه در آسیای مرکزی با تأکید بر ازبکستان»، پایان‌نامه

مقطع کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات،

دانشگاه فردوسی.

۱۲- قنبرلو، عدا... (۱۳۸۹)، بحران قره‌باغ و بازی قدرت‌های خارجی

در آن، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۳- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸)، ایران و بحران اوستیای شمالی، تهران:

ایران معاصر.

۱۴- موسوی، سیدمحمد رضا و توتی، حسینعلی (۱۳۹۱)، «روابط

اسرائیل و قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه

آران، سال ۱۰.

۱۵- موسوی، سیدمحمد رضا و مولودی، فریبرز (۱۳۹۱)، «بررسی

موانع راهبردی در روابط ایران و آذربایجان»، فصلنامه علمی-

پژوهشی قفقاز، سال ۳.

۱۶- ویسی‌نژاد، امیدعلی و دیگران (۱۳۹۱)، «مناقشه قره‌باغ و تأثیر

آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی امنیت پژوهی،

سال ۱۱، شماره ۳۹.

۱۷- واعظی، محمود (۱۳۸۹)، سیاست و امنیت در قفقاز، تهران:

پژوهشکده مطالعات راهبردی.

لاتین:

1- Brams, j, Steven (1975). *Game Theory and Politics*. New York .The Free Press. (8) 5.

2- Birkan, Efe (2013). The Stuation of Nagorno-karabakh, Security Council. Available at:

[http:// query. Nytimes .com/search/siteserch/nagorno - karabakh](http://query.Nytimes.com/search/siteserch/nagorno-karabakh), Accessed .

3- Buris, Gregory, A, (1998) *Turkey-Israel: Speed, the middle est quarterly*. Fall. I Buzan Barry, Dewald, Juab, A New Security Framework Analysis. Lynn Rainer.